



Research Article

Analysis of the impact of entrepreneurial capacities on balanced development of rural areas (Case study: Rurales of Damghan County)

Maryam Shamanian^{1*} , Abdolreza Rahmanifazli¹, Farhad Azizpour¹

1-Department of Human Geography, Faculty of Earth Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2-Department of Geography and Rural Planning, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

Received: 07 Jun 2021 Accepted: 08 Feb 2022

Extended Abstract

Introduction

Nowadays, entrepreneurship is a key tool for rural growth and development in many countries. Therefore, many countries in the world, especially third world countries, have a special view on rural entrepreneurship. An analysis of the studies reveals the need to pay attention to entrepreneurship in achieving development, including balanced rural development. Inequality of development in rural areas on the edge of the desert has occurred, including Damghan city. It's natural, socio-economic and physical environment systems, has faced many challenges in these settlements, which in general has led to a lack of balanced development in rural settlements of Damghan city. In line with this issue, rural entrepreneurship as a basic and parallel approach to the goals of rural development can be a great help in this regard.

Materials and Methods

The purpose of this study was to identify and analyze the relationship between entrepreneurial capacity and balanced rural development. The present study was descriptive-analytical based on the applied purpose and research method. Also, documentary and field methods were used to collect data. First of all, FANP model was used to determine the levels of development of rural areas of Damghan city based on balanced development indicators. In the second stage, a T-sample test was used for testing the entrepreneurial capacities in the studied villages. Then, with the aim of spatial analysis of the sample villages, based on the level of entrepreneurship of the cluster analysis test, the studied villages were divided into several suitable clusters. Hierarchical clustering was used for clustering. In the last step, with the help of analysis of variance, the level of entrepreneurship among the villages was compared with different levels of development. A simple regression test was used to investigate the effect of independent entrepreneurship variable on development rate. Finally, a one-way variance analysis test was used to test the mean difference between the variables in the villages (based on the level of development).

Citation: Shamanian, M., Rahmanifazli, A.R. and Azizpour, F., 2022. Analysis of the impact of entrepreneurial capacities on balanced development of rural areas, *Res. Earth. Sci.* 13(1), (172-185) DOI: 10.48308/esrj.2022.100788

* Corresponding author E-mail address: Maryam_Shamanian@yahoo.com





In the first step to measure the level of development in the villages of the district, considering the nature of the research and the necessity of recognizing and examining the whole rural area, all the villages of the city were examined. Then, in the second step, a sampling process was performed to measure the entrepreneurial capacities in the studied rural area. To select a sample of the statistical population, the villages were classified according to three criteria: level of development, population and natural location. After classification, sample villages were selected using estimation method. In proportion to the number of villages from each class, the sample villages were randomly selected and finally 32 villages were selected as the sample villages.

Results and Discussion

The research findings showed that there were fundamental spatial differences between the villages of Damghan city. Meanwhile, some villages had a higher level of development and some had a lower level of development. As a result, this situation had led to the formation of an unbalanced spatial pattern in rural areas. On the other hand, the research findings showed that the villages studied were also different in terms of the overall level of entrepreneurship. From this perspective, the villages were divided into three categories. The first cluster or villages with medium to high entrepreneurship, the second cluster included villages with medium to low entrepreneurship and the third cluster included villages with low entrepreneurship. Therefore, after matching the level of rural development and entrepreneurial capacities, our findings showed that there was a significant relationship between entrepreneurial capacity and the level of development of the studied villages. Therefore 31% of the development variance of the sample villages was explained by the entrepreneurial capacity. Data analysis showed that the entrepreneurial situation had a significant difference in some dimensions based on the comparative comparison of the rate of rural development (underdeveloped, developing, relatively developed and developed).

Conclusion

Finally, the present article, based on the analysis of data, information and findings based on them reached the following results: it could be acknowledged that with the increase of entrepreneurial capacities in the villages of Damghan city, the level of development will also increase. In other words, it could be concluded that the development of entrepreneurial capacities in the villages of the region could greatly reduce spatial inequalities and balance rural development. This was in line with the new common definitions of rural development that consider entrepreneurship and development as an approach. These aspects are considered innovative in terms of theories of sustainable and balanced rural development.

Keywords: Balanced Development, Damghan County, Entrepreneurship, Rural Areas.



تحلیل تأثیر ظرفیت‌های کارآفرینی بر توسعه متوازن نواحی روستایی (مورد مطالعه: روستاهای شهرستان دامغان)

مریم شامانیان*^۱، عبدالرضا رحمانی فضلی^۱، فرهاد عزیزپور^۲

۱- گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

(پژوهشی)

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۳/۱۷ تأیید نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل ارتباط بین ظرفیت‌های کارآفرینی و توسعه متوازن روستایی انجام شده است. این پژوهش براساس هدف کاربردی و روش بررسی، توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها نیز از روش‌های اسنادی و میدانی استفاده شده است. ابتدا براساس مدل FANP همه روستاهای شهرستان از نظر سطح توسعه یافتگی مورد ارزیابی قرار گرفتند. سپس از بین سطوح مختلف توسعه، تعداد ۳۲ روستا به عنوان روستای نمونه برای سنجش سطح کارآفرینی با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن مورد بررسی قرار گرفته شدند و با تکنیک تحلیل خوشه‌ای، روستاهای نمونه به سطوح مختلف کارآفرینی تقسیم شدند. برای تحلیل رابطه کارآفرینی با توسعه متوازن روستایی از تکنیک‌های آماری آزمون رگرسیون ساده، رگرسیون چندگانه، تحلیل رگرسیونی، ضریب تعیین و تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شده است. طبق نتایج رابطه معناداری بین ظرفیت کارآفرینی و سطح توسعه یافتگی روستاهای مورد مطالعه وجود داشته است به طوری که توسعه ظرفیت‌های کارآفرینی در روستاهای منطقه تا حد زیادی می‌تواند منجر به کاهش نابرابری‌های فضایی و توسعه متوازن روستایی بشود. هم‌چنین، وضعیت کارآفرینی براساس مقایسه تطبیقی میزان توسعه یافتگی روستاها (توسعه نیافته، در حال توسعه، نسبتاً توسعه یافته و توسعه یافته) در برخی ابعاد از تفاوت معناداری برخوردار بوده است. این تفاوت در جنبه‌های فردی، اقتصادی، فیزیکی و زیست‌محیطی مشاهده شده است.

واژه‌های کلیدی: توسعه متوازن، شهرستان دامغان، کارآفرینی، نواحی روستایی.

مقدمه

امروزه کارآفرینی در بسیاری از کشورها به عنوان ابزاری کلیدی جهت رشد و توسعه محسوب می‌شود. از این رو بسیاری از کشورهای جهان به خصوص کشورهای جهان سوم نگاه ویژه‌ای به کارآفرینی روستایی دارند. زیرا یک فعالیت با رویکرد کارآفرینانه علاوه بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیطی (از جمله ایجاد اشتغال، نوآوری در فعالیت‌ها، رقابت‌پذیری، حفظ محیط زیست و ...) (Warhol, 2001)، می‌تواند نقش مهمی در کاهش نابرابری‌های فضایی بین مرکز و پیرامون ایفا کنند (Mayer and Meili, 2016) به عبارتی، کارآفرینی روستایی که به منزله به کارگیری نوآورانه منابع و امکانات روستا در راستای حصول فرصت‌های کسب‌وکاری است، گامی در راستای توسعه روستایی محسوب می‌شود. در این دیدگاه برخلاف سایر رهیافت‌هایی که توسعه روستایی را بر ورود سرمایه انسانی و مالی از خارج روستا پایه‌گذاری می‌نمایند، تأکید بر انگیزش استعدادهای کارآفرینانه محلی و رشد مؤسسات بومی است (با اقتباس از رکن‌الدین افتخاری و سجاسی قیداری، ۱۳۹۲) بنابراین روستاییان کارآفرین ذهنیت کارآفرینی و ظرفیت‌های موجود را ترکیب کرده و یک فعالیت اقتصادی جدید و یا ارتقا یافته را خلق می‌کنند که جریان مداومی از درآمد و ثروت را برای آن‌ها تولید می‌کند و از این طریق مناطق محروم با شتاب بیشتری به سوی توسعه حرکت می‌کنند. کارآفرینان همیشه در جستجوی فرصت‌هایی در محیط هستند. آن‌ها روی فرصت‌های امتیازات دولتی، یارانه‌ها و امکانات برای برپایی کارآفرینی‌شان در مناطق توسعه‌نیافته سرمایه‌گذاری می‌کنند. بنابراین کارآفرینان عدم توازن و نابرابری در توسعه بین مناطق را کاهش می‌دهند. کارآفرینی روستایی می‌تواند تمرکز

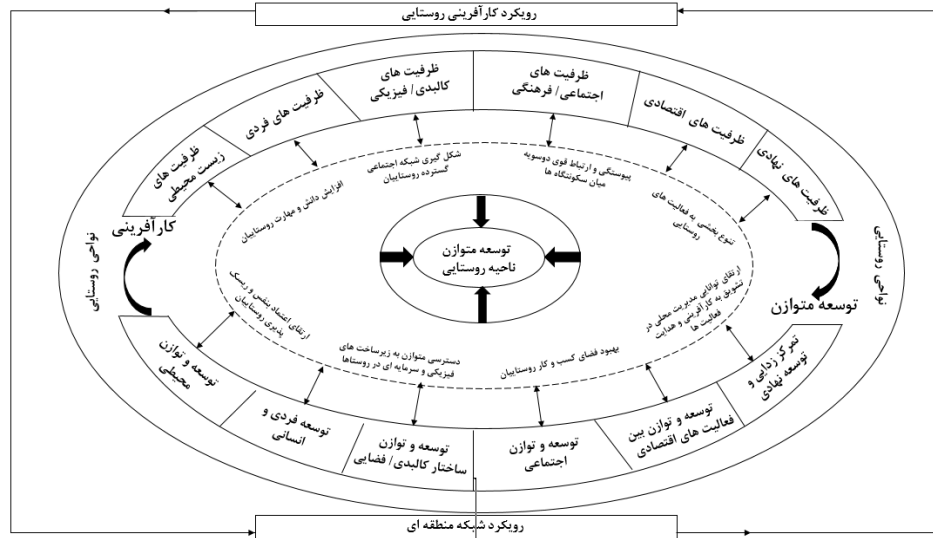
واحدهای صنعتی مناطق شهری را برطرف کند و توسعه متوازن منطقه‌ای را ارتقا دهد (Saxena, 2012). واکاوی بر مطالعات انجام شده، نشان دهنده لزوم توجه به کارآفرینی در دستیابی به توسعه و از جمله توسعه متوازن روستایی می‌باشد. نابرابری توسعه در مناطق روستایی حاشیه کویر از جمله شهرستان دامغان در نظام‌های محیط طبیعی، اجتماعی - اقتصادی و کالبدی، این سکونتگاه‌ها را با چالش‌های فراوان مواجه ساخته است که در کل منجر به عدم توسعه متوازن در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان دامغان شده است. در این راستا کارآفرینی روستایی به‌عنوان یک رویکرد اساسی و موازی با اهداف توسعه روستایی می‌تواند کمک شایانی به این امر بنماید.

آنچه در این پژوهش حائز اهمیت است، تبیین رابطه بین ظرفیت کارآفرینی و توسعه متوازن نواحی روستایی است. در واقع مقاله حاضر به دنبال پاسخ علمی برای این پرسش اساسی است که آیا هر چه ظرفیت‌های کارآفرینی بالاتر باشد، امکان تحقق توسعه متوازن هم بیشتر است؟

توسعه متوازن و پایدار از نظر چشم‌اندازهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، یک نظم مستمر است که نیاز به اجرای درست در تمام سطوح تصمیم‌گیری دارد (Galotti, 2007; Stern, 2004; Dinda, 2004). درحالی‌که توسعه پایدار به معنی هماهنگ کردن رشد اقتصادی با کیفیت محیطی است، یک توسعه متوازن و پایدار این‌گونه به رسمیت شناخته شده است که باید پیچیدگی‌های روابط اجتماعی - اقتصادی را به‌ویژه با سطح منطقه‌ای ارتباط دهد (Zinda, 2006). توسعه متوازن روستایی عبارت است از توجه هم‌زمان به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی و وحدت میان این ابعاد به منظور بالا بردن سطح معیشت و رفاه مردم روستایی (Wang, 2008) که این پایه‌ها

حاضر که مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از نابرابری درآمدی در مناطق روستایی در حال افزایش است. پژوهش حاضر با هدف تعیین و شناسایی ارتباط بین دو مقوله ظرفیت کارآفرینی و توسعه متوازن نواحی روستایی انجام می‌گیرد. بدیهی است در رویکرد کارآفرینی مولفه‌ها و شاخص‌های مطرح شده منجر به توسعه متوازن نواحی روستایی می‌شود؛ چراکه در کارآفرینی، مشارکت، شبکه‌های کارآفرینی، نوآوری و خلاقیت، آینده‌نگری، بازاریابی و مدیریت منابع از طریق ظرفیت‌سازی، توانمندسازی، توسعه نهادی و در چارچوب برنامه‌ریزی راهبردی مشارکتی، تعاملی و ارتباطی با پارادایم فضایی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی منجر به شکل‌گیری جامعه‌ای کارآفرین و بهره‌مند از پتانسیل‌های درونی مناطق، همراه با عدالت فضایی می‌شود که در نتیجه آن توسعه متوازن روستایی تحقق می‌یابد. بنابراین با توجه به مجموع مباحث مطرح شده به نظر می‌رسد که جمع و تلفیقی از نظریه‌ها و دیدگاه‌ها و پارادایم‌های توسعه، به‌ویژه توسعه پایدار روستایی، می‌تواند به تبیین و توجیه رابطه رویکرد کارآفرینی و توسعه متوازن روستایی کمک نماید. از این‌رو، با توجه به جایگاه ویژه‌ای که رویکرد کارآفرینی در شکل‌گیری الگوی فضایی مناسب در برنامه‌ریزی توسعه، به‌ویژه توسعه متوازن روستایی دارد، می‌توان براساس اصول و معیارها، اهداف، مولفه‌ها و شاخص‌های کارآفرینی و توسعه پایدار روستایی، یک مدل مفهومی برای تبیین ارتباط بین کارآفرینی و توسعه متوازن مناطق روستایی ایجاد کرد.

یا ابعاد در کنار یکدیگر ما را به سوی توسعه انسانی و پایدار به پیش می‌برد. بنابراین توسعه پایدار روستایی پدیده‌ای چند بعدی با رویکردی جامع‌نگر و نظام‌مند در توسعه روستایی است که در برگیرنده نظام توسعه روستایی و پیوندی موزون میان آن‌هاست (Horlinges and Kanmasu, 2015). مناسب‌ترین تعریف کارآفرینی که با زمینه توسعه روستایی نیز تناسب دارد به شرح زیر است: "نیرویی که سایر منابع را برای پاسخ‌گویی به تقاضای بی‌پاسخ بازار بسیج می‌کند"، "توانایی خلق و ایجاد چیزی از هیچ" و "فرآیند خلق ارزش به وسیله امتزاج مجموعه واحدی از منابع برای بهره‌گیری از یک فرصت". چنین تعریفی از کارآفرینی با هر نوع ساخت‌مندی عوامل تولیدی مرتبط است و مانع بروز فناوری‌های نوآورانه نمی‌شود (Patrin, 2002). کارآفرینی روستایی برای شکل‌گیری تحت‌تأثیر نیروهای بیرونی و درونی بوده است که هر یک به نوعی به ایجاد چالش‌هایی در جامعه روستایی امروزی منجر می‌شوند. این محیط‌ها بر حسب منابع (بالقوه و بالفعل)، هدایت‌کننده اهداف توسعه، به‌ویژه توسعه اقتصادی، در این جوامع‌اند (افتخاری، ۱۳۹۲). از نظر ریگان، کارآفرینی روستایی فراهم‌کننده زمینه اشتغال، افزایش درآمد و تولید ثروت، بهبود دهنده کیفیت زندگی و کمک‌کننده به افراد محلی برای مشارکت در اقتصاد است (Reagan, 2002). از این روی نیل به توسعه متوازن منطقه‌ای به معنای واقعی نیازمند جسارت طرحی نو در انداختن است. بنابراین، کارآفرینی روستایی به عنوان یک راهبرد و رویکرد در توسعه روستایی و کاهش شکاف درآمدی موجود، یک موضوع جذابی است که ارزش مطالعه بیشتر را دارد. به‌ویژه در حال



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

پیشینه پژوهش

ارتباط بین کارآفرینی و توسعه پایدار روستایی در پژوهش‌های زیادی بررسی شده است. باشیر (Bashir, 2011) در پژوهشی در ایالات متحده آمریکا به این نتیجه رسید که ارتباط مستقیم و معنی‌داری بین کارآفرینی و توسعه منطقه‌ای (تشکیل شرکت‌های جدید و خود اشتغالی) وجود دارد. مدل فضایی این مطالعه نشان می‌دهد که تشکیل شرکت‌های جدید به عنوان یک اقدام کارآفرینی نقش مهمی در توسعه اقتصادی در منطقه شمال شرقی ایالات متحده ایفا می‌کند. از طرف دیگر نتایج نشان داد خوداشتغالی نیز توسعه اقتصادی را به دنبال دارد. بامگارتنر و همکاران (Bamgartner et al, 2013) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که هدف سیاست‌های منطقه‌ای در سراسر اروپا تحریک توسعه منطقه‌ای در مناطق غیر مرکزی از طریق پرورش کارآفرینی است. با این حال سیاست‌های اعمال شده در مناطق غیر هسته‌ای و مفاهیم کارآفرینی این سیاست‌ها بر روی اختلافات منطقه‌ای بنا شده‌اند. در نهایت نگارندگان هفت نوع مختلف از کارآفرینی در مناطق غیر هسته‌ای اروپا رو به دست آورده‌اند. این هفت نوع کارآفرینی

مکانیسم‌های خاصی را شامل می‌شوند که از طریق آن‌ها توسعه منطقه‌ای تحریک می‌شود. کلایر آوئر (Claire Auer, 2013) در پژوهشی که در ایالات متحده آمریکا (ناحیه اوهایو و دیتون) با موضوع "آیا کارآفرینی محلی و بومی از طریق شبکه‌های اجتماعی می‌توانند باعث افزایش نرخ خوداشتغالی در مناطق گردند؟" به این نتیجه رسیده است که شبکه‌های اجتماعی موفق منجر به تشکیل خوشه‌های کسب و کار منطقه‌ای خواهند شد که این خوشه‌ها نقش مثبتی در توسعه مناطق ایفا نموده‌اند. نتایج پژوهش اککویونلو (Ekkuyonlu, 2015)، خوشه‌بندی مناطق روستایی و شهری در واحدهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای ممکن است بتواند بستر لازم را برای شبکه‌های گسترده تجاری و تبادل دانش و اطلاعات بین شهر و حومه فراهم سازد. به همین ترتیب، پیوندهای روستایی-شهری قوی‌تر نیز می‌توانند نقش مهمی در کاهش فقر و کاهش نابرابری‌ها در کشورهای در حال توسعه داشته باشند. مایر و همکاران (Mayer et al, 2016)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که کارآفرینان روستایی با برقراری پیوندهای شهری ممکن است به روابط پایدار اقتصادی بین مناطق

مناطق روستایی، نیاز به در نظر گرفتن رویکرد ترکیبی این عوامل است تا تأثیرگذاری آن در محیط روستا نمود بیشتری پیدا کند؛ بنابراین، در این مطالعه از رویکرد ترکیبی کارآفرینی روستایی و متوازن روستایی استفاده شده است.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر براساس هدف کاربردی و روش بررسی، توصیفی-تحلیلی است و طی چندین مرحله گوناگون صورت گرفته است. به نحوی که در مرحله اول، برای بررسی وضعیت توسعه‌یافتگی روستاهای شهرستان دامغان، به بررسی مطالعات داخلی و خارجی که در حیطه توسعه پایدار روستایی صورت گرفته بود، پرداخته شد و شاخص‌های مورد استفاده در این مطالعات استخراج گردید؛ با توجه به گستردگی محدوده مورد مطالعه و ضرورت بررسی تمام روستاها، در این مرحله از شاخص‌های عینی استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز به روش اسنادی و با استفاده از داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سرشماری کشاورزی، فرهنگ آبادی‌های استان سمنان به دست آمده است. در ادامه از میان شاخص‌های منتخب، تعدادی از شاخص‌ها به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات، به‌روز نبودن و فقدان اطلاعات در سطح روستا از شاخص‌های پژوهش حذف شدند. در نهایت ۲۹ شاخص ملاک ارزیابی پایداری قرار گرفت. در جدول ۱ ابعاد و شاخص‌های پژوهش به شرح زیر آمده است.

شهری و روستایی کمک کنند. نتیجه حاصل نشان می‌دهد چنین پیوندهای شهری-روستایی کارآفرینانه ممکن است نقش مهمی در کاهش نابرابری‌های فضایی بین مرکز و پیرامون ایفا کنند. نتایج پژوهش فرجی سبکبار و همکاران (۱۳۹۰)، حاکی از این است که روستاهای مورد مطالعه به لحاظ ظرفیت‌ها و قابلیت‌های توسعه کارآفرینی باهم تفاوت دارند. هم‌چنین نتایج این پژوهش نشان داد که کارآفرینی روستایی راه‌کاری جدید در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی با هدف کاهش شکاف بین شهر و روستا، ایجاد برابری اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی است. فراهانی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهش خود در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان آبدانان به این نتیجه رسیدند که روستاهای مورد مطالعه در هیچ کدام از ابعاد فردی، اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی دارای ظرفیت‌های لازم جهت توسعه کارآفرینی نیستند؛ و هم‌چنین نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که زمینه‌های زیرساختی و فردی بیشترین تأثیر را بر کارآفرینی می‌گذارند. با تقویت این زمینه‌ها (فردی و زیرساختی) می‌توان انتظار داشت که کارآفرینی در روستاها افزایش یابد و مشکل بیکاری و مهاجرت حل شود، و در نتیجه درآمد افزایش می‌یابد و باعث توسعه روستا و توانمندی روستاییان می‌شود. همان‌طور که گفته شد، هر یک از محققان، از جنبه یا بعد خاصی به بررسی و توسعه کارآفرینی مناطق روستایی توجه کرده‌اند، اما یافته‌ها و اسناد حاکی از آن هستند که برای ایجاد کارآفرینی موثر در

جدول ۱: شاخص‌های سنجش وضعیت توسعه یافتگی روستاها

ابعاد	شاخص
توسعه	نرخ فعالیت، بار تکفل، نرخ اشتغال، نرخ بیکاری، درصد شاغلین بخش کشاورزی، درصد شاغلین
اقتصادی	بخش صنعت، درصد شاغلین بخش خدمات، نسبت مسکن مقاوم به کل مسکن، نسبت واحد مسکونی به خانوار، سرانه زمین زراعی

توسعه اجتماعی	جمعیت، نرخ رشد، درصد کل باسوادی، درصد باسوادی مردان، درصد باسوادی زنان، متوسط بعد خانوار، تراکم بیولوژیک جمعیت، نسبت جنسی، دسترسی به مراکز مذهبی، دسترسی به مراکز اداری-سیاسی، دسترسی به مراکز خدماتی، دسترسی به مراکز بهداشتی-درمانی، دسترسی به مراکز اطلاعاتی-ارتباطی، دسترسی به مراکز زیرساختی، دسترسی به مراکز تفریحی، دسترسی به مراکز آموزشی
توسعه محیطی	نسبت اراضی زیرکشت به کل اراضی کشاورزی، سرانه باغ و قلمستان، سرانه دام سنگین و سبک

منبع: واکاوی از پژوهش‌های انجام شده

کارآفرینی در توسعه متوازن روستایی غربال گردید و به شاخص اصلی محدود شد. سپس پرسشنامه‌ای از این شاخص‌ها تهیه و در نهایت با انجام مطالعات پیمایشی و نظرخواهی از ۱۵ نفر از خبرگان و متخصصان (شامل اساتید دانشگاه، پژوهشگران و مدیران اجرایی متخصص در زمینه کارآفرینی روستایی) که تجربه و دانش لازم را داشتند، مجموعه‌ای مناسب و بومی شده از شاخص‌های کارآفرینی در توسعه روستایی، انتخاب و ارائه گردید (جدول ۲). جهت بررسی اعتبار پرسشنامه از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد و اعتبار هر سوال با بار عاملی و اعتبار هر مقیاس یا مولفه با استفاده از روایی هم‌گرا (میانگین واریانس استخراج شده یا AVE) ارزیابی شد. حداقل مقدار بار عاملی ۰/۴۰ و حداقل مقدار میانگین واریانس استخراج شده ۰/۵۰ تعیین شد. مدل‌های اندازه-گیری به دست آمده برای ۶ مولفه ظرفیت کارآفرینی نشان داد که بار عاملی تمامی سوالات از مقدار مفروض ۰/۴۰ بیشتر است و بدین معناست که تمامی سوالات پرسشنامه ظرفیت کارآفرینی از اعتبار مناسبی برخوردارند. بررسی اعتبار هم‌گرای مولفه‌ها نیز نشان داد که مقدار میانگین واریانس استخراج شده برای همه متغیرها بیش از ۰/۵۰ است و نشان از تأیید اعتبار هم‌گرا دارد. پایایی متغیرها علاوه بر روش هم‌سازی درونی و آزمون آلفای کرونباخ با روش ترکیبی که روشی جدیدتر است نیز ارزیابی شد.

برای تعیین سطوح توسعه ناحیه روستایی شهرستان دامغان براساس شاخص‌های توسعه متوازن ابتدا فرآیند وزن‌دهی به معیارها انجام گرفت. وزن‌دهی به شاخص‌های تحقیق با استفاده از مدل FANP صورت گرفته است، این مدل در سال ۲۰۱۳ در ایران توسط زبردست ارائه گردید (زبردست، ۱۳۹۳). مدل دارای دو بخش اصلی می‌باشد؛ در بخش اول با استفاده از تحلیل عاملی ابعاد و شاخص‌های تشکیل‌دهنده هر یک از ابعاد شناسایی می‌شود. در بخش دوم از فرآیند تحلیل شبکه‌ای استفاده می‌شود تا نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی به یک مدل شبکه‌ای تبدیل شود و با استفاده از روش ANP ضریب اهمیت نسبی شاخص‌های تبیین‌کننده موضوع مورد بررسی، با در نظر گرفتن ارتباط بین شاخص‌های تبیین‌کننده موضوع، محاسبه شوند. سپس با استفاده از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره VIKOR شاخص‌ها تلفیق شده و شاخص نهایی توسعه تعیین گردید. در ادامه برای تعیین الگوهای فضایی پایداری توسعه، روش تحلیل خوشه‌ای در محیط نرم‌افزار ARC GIS مورد استفاده قرار گرفت. نرم-افزارهای EXCEL و SPSS و MATLAB نیز به-عنوان ابزار تحلیل مورد استفاده قرار گرفتند. از سوی دیگر، به منظور انتخاب شاخص‌های کارآفرینی، در ابتدا با واکاوی انتقادی بر مطالعات انجام شده، شاخص‌ها فهرست شد و در گام دوم، شاخص‌های اولیه به‌منظور شناسایی شاخص‌های

جدول ۲: شاخص‌های سنجش وضعیت کارآفرینی روستاها

ابعاد	شاخص	گویه
دسترسی به آموزش، مشاوره و تجربیات	دسترسی به آموزش، مشاوره و تجربیات	برگزاری کلاس‌های آموزشی و ترویجی در زمینه توسعه کارآفرینی در روستا
	امکان استفاده از مشاوره و خدمات حمایتی گوناگون (خانواده مشوق، دوستان، آشنایان) در روستا	امکان ارتباط با افراد و کارآفرینان موفق برای انتقال تجربه در روستا
	میزان به کارگیری توصیه‌های فنی کارشناسان و مروجان در فعالیتهای شخصی	میزان مشارکت در شناسایی افراد خلاق و نوآور در روستا مشارکت
	میزان مشارکت در تصمیم‌گیری و اجرای فعالیتهای مختلف در روستا	میزان مشارکت زنان و دختران در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی روستا
	میزان تمایل به مشارکت جهت سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی در روستا	چه میزان شرکت در کلاس‌های آموزشی و مشاوره‌ای در زمینه کسب و کارهای خانگی
	میزان تمایل به تشکیل شبکه تولید محلی در سطح روستا	میزان ارتباط و شبکه اجتماعی گسترده با روستاییان
	میزان برخورداری از روحیه فعالیت گروهی در کسب و کارها	میزان مبادله اطلاعات و دانش مربوط به کسب و کار خود با روستاییان
	میزان شبکه‌های گوناگون تعاون روستایی در روستا	ترجیح روش‌های نو به روش‌های سنتی قدیمی و مطمئن در فعالیت اقتصادی
	نوآوری و خلاقیت	انگیزه ایجاد کسب و کار جدید برای درآمد بیشتر
	انگیزه تنوع‌بخشی به محصولات و فعالیتهای روستا	توان راه‌اندازی کسب و کار جدید در روستا (دانش فنی و ...)
دانش و مهارت	توان راه‌اندازی کسب و کار جدید در روستا (دانش فنی و ...)	داشتن ایده مناسب برای ایجاد کسب و کار جدید
	میزان برخورداری شما از اطلاعات و آمارهای بازاریابی و اقتصادی	میزان آشنایی شما با زمینه‌های کسب و کارهای جدید
	میزان آشنایی شما با منافع حاصل از کارآفرینی	میزان تسلط مهارت‌های شما (تسلط به رایانه و ...)
	میزان اعتماد به نفس	میزان استقلال فردی در فعالیتهای و تصمیم‌گیری‌ها در زمینه کسب و کار
	میزان تمایل شما به پیش‌قدم بودن در فعالیتهای اقتصادی	میزان اعتماد به نفس و خوداتکایی شما برای شروع فعالیت اقتصادی جدید
	میزان تمایل شما به خوداشتغالی و فعالیت در زمینه کارآفرینی	حاضر به مواجه شدن با چالش‌ها و سختی‌ها برای راه‌اندازی کسب و کار جدید
	ریسک‌پذیری	میزان ریسک‌پذیری (خطرپذیری) اقتصادی شما برای راه‌اندازی کسب و کار جدید
	میزان آمادگی شما برای پول قرض گرفتن از افراد دیگر برای انجام کاری پول‌ساز	میزان آمادگی شما برای تغییر در کیفیت زندگی خود
	آینده‌نگری	میزان توجه شما به تغییرات اقتصادی در روستاهای اطراف و محیط شهری
	میزان توجه شما به آینده خانواده و فرزندان خود	میزان برنامه‌ریزی مناسب در فعالیتهای اقتصادی خود
میزان پشتکار و ایستادگی در فعالیتهای اقتصادی	میزان قادر بودن به تأمین مالی برای راه‌اندازی کسب و کار جدید	
دسترسی به سرمایه	میزان قادر بودن به تأمین مالی برای راه‌اندازی کسب و کار جدید	میزان نیروی انسانی ماهر (باسواد و باتجربه) برای شروع کسب‌وکارهای جدید در روستا
	میزان تمایل سرمایه‌گذاران داخل روستا برای سرمایه‌گذاری در زمینه ایجاد کسب‌وکارهای جدید در روستا	میزان تمایل سرمایه‌گذاران خارج از روستا برای سرمایه‌گذاری در زمینه ایجاد کسب‌وکارهای جدید در روستا
	میزان امکان استفاده از تسهیلات و وام‌های اعتباری برای ایجاد کسب‌وکارهای جدید در روستا	میزان فرصت‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای جدید در روستا
	میزان دسترسی شما به بازارهای مناسب برای عرضه تولیدات محلی	میزان دسترسی شما به بازارهای مناسب برای عرضه تولیدات محلی
	میزان آشنایی شما با بازارهای منطقه‌ای و ملی	میزان برخورداری از توان ارتباطی خوب برای فروش محصولات
	میزان برخورداری از توانایی فروش مستقیم و بی‌واسطه محصول	میزان آگاهی شما از نرخ محصولات در بازار
	میزان آگاهی شما درباره کمیت و کیفیت نیاز مصرف‌کنندگان	میزان برخورداری از توانایی تشخیص و استفاده از فرصت‌های جدید در بازار
	میزان رضایت شما از درآمد شغل فعلی‌تان	میزان رضایت شما از درآمد شغل فعلی‌تان
	میزان رضایت شما از محیط کسب و کارتان	میزان رضایت شما از محیط کسب و کارتان
	فضای کسب و کار	میزان تنوع شغلی در روستای شما

میزان رضایت شما از وضعیت امکانات رفاهی و زیربنایی (آب، برق، گاز، تلفن و ...) روستا برای ایجاد کسب‌وکار جدید	دسترسی به زیرساخت‌های فیزیکی	ظرفیت‌های زیرساختی	
میزان دسترسی به وسایل نقلیه در روستا برای حمل کالا به بازار و مراکز فروش	میزان دسترسی به جاده‌های ارتباطی مناسب با شهر و روستاهای اطراف برای حمل کالا		
میزان دسترسی به پست و اینترنت برای تسهیل فرآیند کسب و کار جدید در روستا	میزان دسترسی به بانک و موسسات مالی در روستا		
میزان زمینه‌های لازم برای افزایش کارآفرینی در فعالیتهای کشاورزی در روستا	میزان زمینه‌های لازم برای افزایش کارآفرینی در فعالیتهای صنعتی در روستا		
میزان زمینه‌های لازم برای افزایش کارآفرینی در فعالیتهای خدماتی (گردشگری و ...) در روستا	میزان امکانات برای بسته‌بندی کردن، انبار کردن محصولات (سردخانه، سیلو و جز آن) در روستا		
میزان صنایع دستی محلی (مانند سفال‌سازی، گلیم بافی و مانند این‌ها) در روستا	میزان کارگاه‌های محلی (مانند چوب بری و جز آن) در روستا		
میزان فعالیت دهیاری و شورای اسلامی روستا جهت گسترش کارآفرینی در روستا	میزان حمایت دهیاری و شورای اسلامی از افراد کارآفرین در روستا		ظرفیت‌های مدیریتی
میزان تشویق سرمایه‌گذاران محلی برای ایجاد فرصت‌های شغلی توسط دهیاری و شورای اسلامی	میزان تشویق و به‌کارگیری جوانان برای ایجاد کسب‌وکارهای جدید توسط دهیاری و شورای		
میزان کمک دهیاری و شورای اسلامی به افراد محلی برای مشارکت در روستا	توانایی مدیریت محلی برای ارتقای کارآفرینی		
توانایی‌های مدیریتی دهیاری و شورای اسلامی روستا برای هدایت فعالیت‌های اقتصادی	میزان احترام به محیط زیست روستا برای ایجاد فعالیت اقتصادی جدید		
میزان کوشش روستاییان در کشف و شناسایی منابع جدید کارآفرینی (مشاغل جدید) در روستا	میزان توجه به محدودیت‌های استفاده از منابع (آب، خاک، و ...) در روستا، برای انجام فعالیت اقتصادی جدید	ظرفیت‌های محیطی	
وجود محیط و فضای آرام (امنیت) جهت کارآفرینی در روستا	وجود منابع آب و خاک مناسب و کافی در روستا جهت کارآفرینی		

منبع: واکاوی پژوهش‌های انجام شده

ظرفیت‌های کارآفرینی در ناحیه مورد مطالعه از بین روستاهای با سطوح مختلف توسعه مورد سنجش قرار گیرد. بعد از طبقه‌بندی، با استفاده از روش تخمینی روستاهای نمونه انتخاب گردیدند. به طوری که متناسب با تعداد روستاها از هر طبقه، روستاهای نمونه به صورت تصادفی گزینش شده و در نهایت ۳۲ روستا به‌عنوان روستاهای نمونه انتخاب گردیدند. برای شناسایی ظرفیت‌های کارآفرینی در ناحیه روستایی مورد مطالعه، سرپرستان خانوار روستایی مورد سنجش قرار گرفتند. به این ترتیب با بهره‌گیری از روش کوکران و حدود اطمینان ۹۵٪ و ضریب دقت ۵٪ و واریانس ۲۵٪ از جامعه آماری ۲۰۶۵ نفره، حجم نمونه به میزان ۳۷۶ نفر تعیین گردید که به جهت در نظر گرفتن ریزش در پاسخگویان تصمیم بر آن شد که تعداد ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شود و در نهایت تعداد

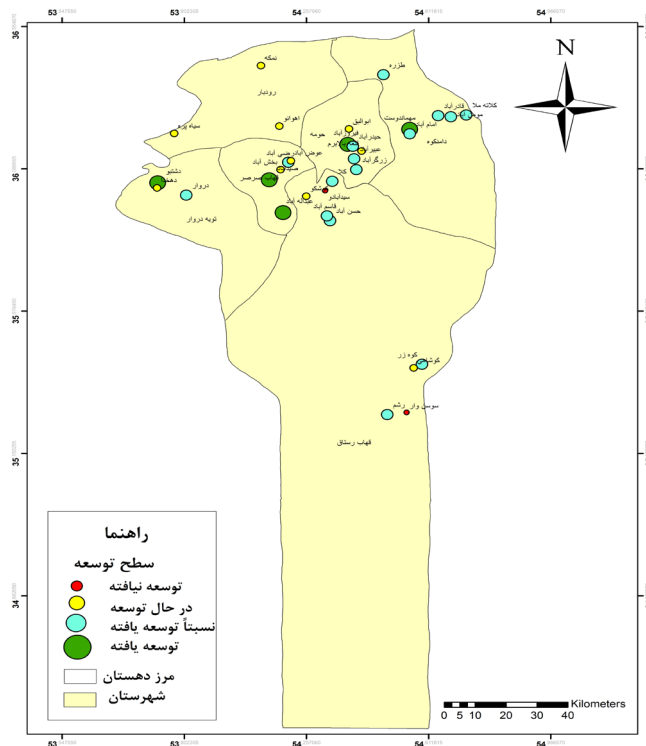
حداقل مقدار ۰/۷۰ برای پایایی ترکیبی تعیین شد که بررسی پایایی متغیرها با روش پایایی ترکیبی نشان داد که تمامی مولفه‌ها و زیر مقیاس‌های آن از پایایی مناسبی برخوردارند و مقدار پایایی ترکیبی برای همه مولفه‌ها بیشتر از ۰/۷۰ به دست آمده است. در گام نخست برای سنجش سطح توسعه در روستاهای ناحیه با توجه به ماهیت پژوهش و ضرورت شناخت و بررسی کل ناحیه روستایی، همه روستاهای شهرستان بررسی شدند و بدین ترتیب ۸۶ روستای شهرستان مورد تحلیل و سطح‌بندی قرار گرفتند. سپس در گام دوم برای سنجش ظرفیت‌های کارآفرینی در ناحیه روستایی مورد مطالعه فرآیند نمونه‌گیری از روستاها انجام شد. برای انتخاب نمونه از جامعه آماری، روستاها براساس سه معیار سطح توسعه یافتگی، میزان جمعیت و موقعیت طبیعی طبقه‌بندی شدند تا

۳۸۴ پرسشنامه مناسب تحلیل گردآوری شد. همگنی واریانس گروهها با استفاده از آزمون لون (Levene) انجام شد نتایج این آزمون نشان داد که واریانس گروهها در تمامی متغیرها همگن است و در نتیجه از آزمون تعقیبی بونفرونی (Bonferroni) استفاده شد. به دین دلیل که تعداد اعضای گروهها برابر نیست، امکان استفاده از آزمون تعقیبی توکی (Tukey) وجود ندارد.

بحث و نتایج

سطح توسعه متوازن ناحیه مورد مطالعه: به دلیل طولانی بودن مراحل سطح بندی، در اینجا فقط

نتیجه سطح بندی به همراه توضیحات مختصر به نمایش گذاشته شده است. همان طور که در شکل ۲ نشان داده شده است، ۱۳ درصد از روستاهای شهرستان دامغان در طبقه توسعه یافته قرار دارند؛ بیش از ۵۲ درصد از روستاهای مورد مطالعه نسبتاً توسعه یافته هستند و ۳۰ درصد از روستاهای مورد مطالعه در حال توسعه و ۴ درصد از روستاهای شهرستان دامغان نیز توسعه نیافته هستند. با توجه به تحلیل فضایی انجام گرفته، الگوی فعلی توسعه در ناحیه روستایی شهرستان دامغان از الگوی فضایی نامتعادل پیروی می کند.



شکل ۲: سطح توسعه در سکونتگاههای روستایی شهرستان دامغان

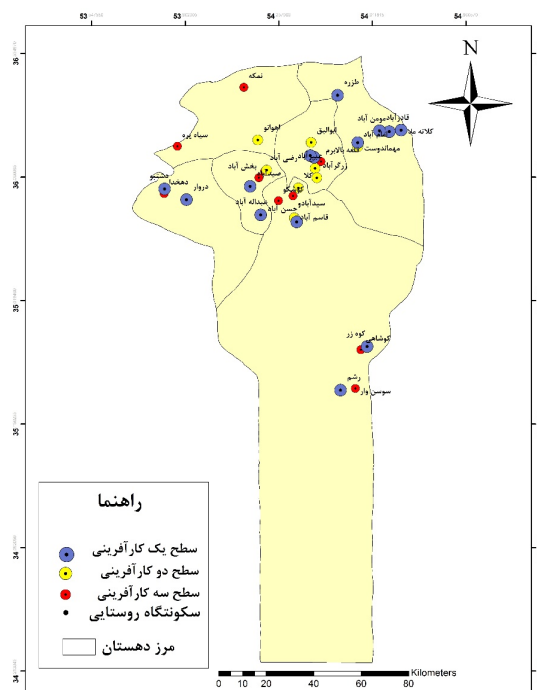
سطح توسعه ظرفیت های کارآفرینی در ناحیه مورد مطالعه:

ظرفیت های کارآفرینی در روستاهای دارای سطوح مختلف توسعه شهرستان دامغان مورد ارزیابی قرار گرفتند. پس از طی مراحل گوناگون آن چنان که در

روش تحقیق آورده شد، در نهایت روستاها براساس معیار میزان کارآفرینی خوشه بندی شدند. روستاها با توجه به میانگین ظرفیت کارآفرینی در سه خوشه جای گرفتند. (شکل ۳). خوشه اول دربرگیرنده روستاهای با ظرفیت کارآفرینی متوسط رو به بالا،

از این است که تعداد ۱۴ روستا در خوشه اول، ۸ روستا در خوشه دوم و ۱۰ روستا در خوشه سوم قرار می‌گیرند.

خوشه دوم شامل روستاهای با ظرفیت کارآفرینی متوسط رو به پایین و خوشه سوم شامل روستاهای با ظرفیت کارآفرینی پایین می‌باشند. یافته‌ها حاکی



شکل ۳: وضعیت کارآفرینی در روستاهای نمونه

ضریب تعیین به دست آمده بدین معناست که سطح کارآفرینی توانسته است ۳۱ درصد از تغییرات میزان توسعه را تبیین کند. مقدار آزمون دوربین واتسون برابر با ۱/۹۴ به دست آمده است که در بازه مورد قبول قرار دارد و می‌توان گفت باقیمانده‌ها دارای استقلال نسبی هستند و همبستگی سریالی بین آنان وجود ندارد.

تحلیل رابطه بین ظرفیت کارآفرینی و توسعه متوازن روستایی: تأثیر متغیر مستقل کارآفرینی بر میزان توسعه طبق جدول ۳ مورد بررسی قرار گرفته است. مقدار آزمون F برابر با ۵۶/۶۳ به دست آمده است که در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ قرار دارد و بدین معناست که مدل رگرسیونی مناسب است و متغیرهای پیش بین با متغیر وابسته (ملاک) رابطه دارند. مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۳۱ است.

جدول ۳: آزمون رگرسیون با هدف پیش بینی میزان توسعه براساس سطح کارآفرینی

متغیر مستقل	B	SE	Beta	t-value	p-value
مقدار ثابت	۱۱۳۰	۰/۴۹	—	۲/۶۷	۰/۰۰۸
سطح کارآفرینی	۱۱۲۴	۰/۰۲۸	۰/۵۶	۴/۴۳	< ۰/۰۰۱

توجه: $F = 56/63$ و $p \leq 0/001$, $R2 = 0/31$, $DW = 1/94$

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که سطح کارآفرینی بر میزان توسعه موثر است و سطح کارآفرینی توانسته است به‌طور معنی‌داری تغییرات میزان کارآفرینی را پیش‌بینی کند. جهت تأثیر مثبت است و شدت تأثیر مقدار نسبتاً بالایی است و برابر با ۰/۵۶ است.

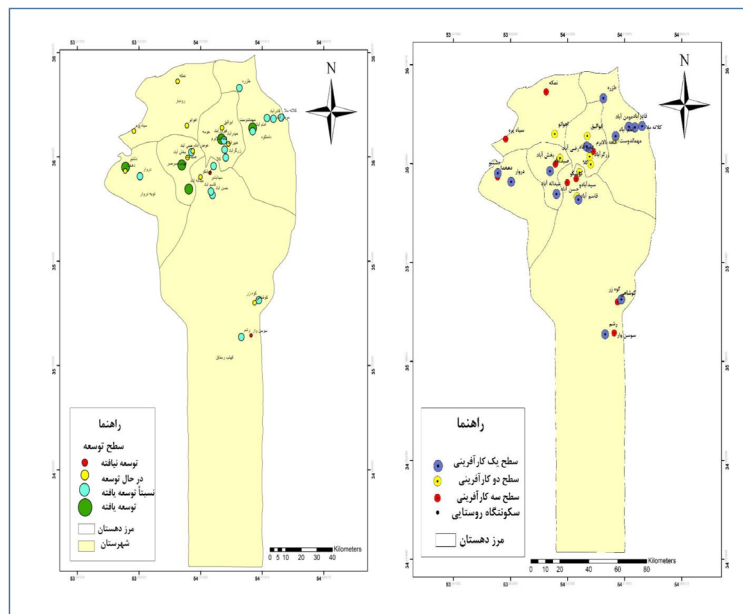
جدول ۴: مقایسه میانگین سطح کارآفرینی روستاها به تفکیک سطح توسعه یافتگی

مقدار F	سطح توسعه روستاها				
	توسعه یافته (n = ۸۴)	نسبتاً توسعه یافته (n = ۱۱۵)	در حال توسعه (n = ۱۲۸)	توسعه نیافته (n = ۵۷)	متغیر
۲/۶۴	۳/۱۰	۳/۰۴	۲/۸۵	۲/۸۰	کارآفرینی
۱۳/۴۴***	۲/۷۲a	۲/۹۵a	۱/۹۷b	۲/۰۵b	کارآفرینی فردی
۱۳/۳۳***	۳/۵۳a	۲/۹۹b	۳/۱۰b	۲/۶۵c	کارآفرینی
۲۷/۲۲***	۳/۹۹a	۳/۴۷b	۲/۸۹c	۲/۹۴c	کارآفرینی فیزیکی
۲/۲۳	۳/۱۹	۳/۲۲	۳/۰۳	۳/۰۹	کارآفرینی نهادی
۸/۱۴***	۲/۵۵a	۲/۳۸a	۱/۷۱b	۱/۸۹b	کارآفرینی زیست محیطی
۱۱/۷۴***	۳/۱۸a	۳/۰۱a	۲/۵۹b	۲/۵۷b	کارآفرینی کل

توجه: $p < ۰/۰۱$ *** و $p < ۰/۰۵$ ** و $p < ۰/۱۰$ *

توسعه یافته و توسعه نیافته) در برخی ابعاد از تفاوت معناداری برخوردار است.

هم‌چنین بر طبق جدول ۴ وضعیت کارآفرینی بر اساس مقایسه تطبیقی میزان توسعه یافتگی روستاها (توسعه نیافته، در حال توسعه، نسبتاً توسعه یافته، توسعه یافته)



شکل ۴: تأثیر مولفه‌های ظرفیت کارآفرینی بر میزان توسعه روستاهای نمونه

نتیجه‌گیری

طبق بررسی‌ها، اغلب مطالعات صورت گرفته در زمینه کارآفرینی و توسعه روستایی در ایران، دارای نگرش اقتصادی بوده و بعد فضایی در آن‌ها بسیار کم‌رنگ است. بنابراین کارآفرینی روستایی به‌ویژه با "بعد فضایی" می‌تواند به‌عنوان رهیافتی جامع برای تحقق توازن و پایداری در رویکرد توسعه متوازن روستایی به‌حساب آید. ما فرض کردیم که ظرفیت‌های کارآفرینی اعم از ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی در روستاهای توسعه یافته بیشتر از روستاهای با سطح توسعه پایین است. به منظور آزمودن این فرضیه، پس از سطح بندی توسعه مناطق روستایی مورد مطالعه، تحقیق در مورد ظرفیت‌های کارآفرینی روستایی در هر یک از سطوح مختلف توسعه در روستاها انجام گرفت. یافته‌های ما نشان داد در بین روستاهای شهرستان دامغان تفاوت‌های فضایی اساسی وجود دارد. در این بین برخی از روستاها از سطح توسعه بالاتر و برخی از سطح توسعه پایین‌تری برخوردارند. به‌طوری که این وضعیت زمینه‌ساز شکل‌گیری الگوی فضایی نامتعادل در نواحی روستایی شده است. از طرف دیگر یافته‌های پژوهش نشان داد روستاهای مورد مطالعه از نظر سطح کلی کارآفرینی نیز با یکدیگر تفاوت دارند. روستاها از این منظر در سه طبقه قرار گرفتند. خوشه اول یا روستاهای با کارآفرینی متوسط رو به بالا، خوشه دوم شامل روستاهای با کارآفرینی متوسط رو به پایین و خوشه سوم شامل روستاهای با کارآفرینی پایین. لذا پس از تطابق سطح توسعه روستاها و ظرفیت‌های کارآفرینی، یافته‌های ما نشان داد رابطه معناداری بین ظرفیت کارآفرینی و سطح توسعه یافتگی روستاهای مورد مطالعه وجود دارد. به‌طوری که ۳۱ درصد از واریانس توسعه یافتگی روستاهای نمونه، توسط ظرفیت کارآفرینی تبیین می‌شود. تحلیل داده‌ها

نشان می‌دهد وضعیت کارآفرینی براساس مقایسه تطبیقی میزان توسعه یافتگی روستاها (توسعه نیافته، در حال توسعه، نسبتاً توسعه یافته و توسعه یافته) در برخی ابعاد از تفاوت معناداری برخوردار است. این تفاوت در جنبه‌های فردی، اقتصادی، فیزیکی و زیست‌محیطی مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان کارآفرینی فردی، اقتصادی، فیزیکی و زیست‌محیطی در روستاهای توسعه یافته به‌طور معنی‌داری بسیار بیشتر از روستاهای توسعه نیافته و در حال توسعه است. در صورتی که بین میزان کارآفرینی اجتماعی و کارآفرینی نهادی در بین روستاهایی که سطح توسعه آن‌ها متفاوت است تفاوت کمتری مشاهده می‌شود. میانگین کارآفرینی اجتماعی و نهادی در بین روستاها با سطوح توسعه متفاوت، تقریباً یکسان است. در نهایت مقاله حاضر، براساس تحلیل داده‌ها، اطلاعات و یافته‌های مبتنی بر آن‌ها به نتایج زیر رسیده است: می‌توان چنین اذعان نمود که با افزایش ظرفیت کارآفرینی در روستاهای شهرستان دامغان، سطح توسعه یافتگی نیز ارتقا می‌یابد. به عبارت دیگر می‌توان نتیجه گرفت که توسعه ظرفیت‌های کارآفرینی در روستاهای منطقه تا حد زیادی می‌تواند منجر به کاهش نابرابری‌های فضایی و توسعه متوازن روستایی بشود و به نوعی متناسب با تعاریف مشترک جدید از توسعه روستایی است که کارآفرینی و توسعه از درون را به‌عنوان رویکرد جدیدی در نظریات توسعه پایدار و متوازن روستایی تلقی می‌کنند.

بنابراین از مقدمات اساسی این امر، همانا فراهم کردن محیط مساعدی است که بتواند ظرفیت‌های کارآفرینی در روستاها را به‌منصه ظهور برساند. وجود چنین محیطی عمده‌تأ وابسته به ارائه سیاست‌های مناسب و فراهم کردن بستری پویا برای فعالیت‌های کارآفرینی است به‌گونه‌ای که

متکی به وجود یک چارچوب مفهومی و ارائه یک الگوی مناسب درباره کارآفرینی روستایی می‌باشد.

-شریف زاده، م.ش.، عبدالله زاده، غ.، اکبری، م. و مبینی دهکردی، ع.، ۱۳۹۵. کارآفرینی و پایداری (به سوی کارآفرینی پایدار)، تهران، سازمان جهاد دانشگاهی تهران، ۳۲۶ ص.

-فراهانی، ح.، رسولی نیا، ز. و صدقی، س.، ۱۳۹۳. عوامل اثرگذار بر رشد کارآفرینی در نواحی روستایی (مورد مطالعه: دهستان جابرائصار در شهرستان آبدانان)، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۳، شماره ۹.

-فرجی سبکبار، ح.، بدری، ع.، مطیعی لنگرودی، ح. و شرفی، ح.، ۱۳۹۰. اولویت‌بندی توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک پرومتی مطالعه‌ی موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده استان زنجان، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۵، تهران، ص ۵۳-۶۸.

سبب کاهش نابرابری‌ها و نیل به توسعه متوازن گردد. کارایی چنین سیاست‌هایی نیز به نوبه خود

منابع

-رکن‌الدین افتخاری، ع. و سجاسی قیداری، ح.، ۱۳۹۲. توسعه روستایی با تأکید بر کارآفرینی، تهران، انتشارات سمت، ۲۸۶ ص.

-پترین، ت.، ۱۳۸۱. کارآفرینی به منزله یک نیروی اقتصادی در توسعه روستایی، ترجمه حمیدرضا زرنگار، جهاد، شماره ۲۵۳.

-رضوانی، م. و نجارزاده، م.، ۱۳۸۷. بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرآیند توسعه نواحی روستایی (مطالعه‌ی موردی: دهستان بر آن جنوبی شهرستان اصفهان)، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال ۱، شماره ۲، تهران، ص ۱۶۱-۱۸۲.

-زبردست، ا.، ۱۳۹۳. کاربرد مدل FANP در شهرسازی، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۱۹، شماره ۲، ص ۲۳-۳۸.

-Ahmad, A.R., Yusoff, W.F.W., Noor, H.M. and Ramin, A.K., 2012. Preliminary study of rural entrepreneurship development program in Malaysia. *Journal of global entrepreneurship*, v. 2(1), p. 1-8.

-Asian Productivity Organization, 2007. *Entrepreneurship Development for Competitive Small and Medium Enterprises*, Published by the Asian Productivity Organization, Hirakawacho, Chiyoda-ku, Tokyo, Japan.

-Bashir, S., 2011. *A Spatial Analysis of the Role of Entrepreneurship in the Economic Development in the Northeast Region of the United States* (Doctoral dissertation, West Virginia University Libraries).

-Baumgartner, D., Tobias, S. and Seidi, I., 2013. Quantifying entrepreneurship and its impact on local economic performance: A Spatial assessment in rural Switzerland, *Entrepreneurship & Regional Development: An International Journal*, v. 25(3-4), p. 222- 250.

-Brandon, P.S. and Lombardi, P., 2005. *Evaluating sustainable development in the built environment*. Oxford: Blackwell, 386 p.

-Carlos Freire-Gibb, L. and Nielsen, K., 2014. *Entrepreneurship Within Urban and Rural Areas: Creative People and Social Networks*, *Regional Studies*, v. 48-1, p. 139-153.

-Hall, J.K., Daneke, G.A. and Lenox, M.J., 2010. Sustainable development and entrepreneurship: Past contributions and future directions. *Journal of*

- Business Venturing, v. 25(5), p. 439-448.
- Heinonen, J. and Pikkijoki, S.A., 2006. an entrepreneurial-directed approach to entrepreneurship education: mission impossible? management development, p. 80-94.
- Horlings, L.G. and Kanemasu, Y., 2015. Sustainable development and policies in rural regions; insights from the Shetland Islands. Land Use Policy, v. 49, p. 310-321.
- Isenberg, D., 2011. The Entrepreneurship Ecosystem Strategy as a New Paradigm for Economic Policy: Principles for Cultivating Entrepreneurship, The Babson Entrepreneurship Ecosystem Project, Based on an Invited Presentation at the Institute of International and European Affairs, May 12, 2011, Dublin Ireland.
- Maia, L., 2002. Enhancing Entrepreneurship in Rural Tourism for Sustainable Regional Development: The Case of Söderslätt Region Sweden, The International Institute for Industrial Environmental Economics (IIIEE), International miljö Institute.
- Markley, D.M., 2005. Local Strategies for responding to rural restructuring: The role of entrepreneurship, Globalization and Restructuring in rural America Conference ERS-USDA, Washington, D.C., 189 p.
- Mayer, H. and Meili, R., 2016. New Highlander Entrepreneurs in the Swiss Alps. Mountain Research and Development, v. 36(3), p. 267-275.
- Palmisano, G.O., Govindan, K., Boggia, A., Loisi, R.V., De Boni, A. and Roma, R., 2016. Local action groups and rural sustainable development. A spatial multiple criteria approach for efficient territorial planning. Land use policy, v. 59, p. 12-26.
- Reagan, B., 2002. Are high-growth entrepreneurs building the rural economy? Federal Reserve Bank of Kansas City, Kansas City, Mo: Center for the study of Rural America
- Saxena, S., 2012. Problems Faced by Rural Entrepreneurs and Remedies to Solve It; IOSR Journal of Business and Management (IOSRJBM); v. 3(1), p. 23-29.
- Schumpeter, J., 1934. The Theory of Economic Development, Cambridge, Mass: Harvard University Press, 364 p.